

اصلاح طلبان و تیغ نظارت استصوابی

رضا سپیدرودی

اختلاف مجلس و شورای نگهبان که در دو هفته اخیر در زدوبندهای پشت پرده طرفین سرانجام راهی برای حلش پیدا نشد، با طرح سه فوریتی مجلس و رد این طرح از سوی شورای نگهبان و ارجاع آن به مجمع تشخیص مصلحت بالا گرفته است. مثل همه موارد اختلافات جناحی دور اخیر، اصلاح طلبان حکومتی ادعا کرده اند که در مجلس مشغول دفاع از حقوق مردم هستند و شورای نگهبان نیز خود را به عنوان مدافع اسلامیت نظام مجاز می داند که تیغ نظارت استصوابی را تیزتر از همیشه و در مورد خود اصلاح طلبان حکومتی به کار اندازد. دفاع سرسختانه شورای نگهبان از نظارت استصوابی امری کاملاً طبیعی است. بدون چنین نظارتی استبداد ولایت فقیه شکاف برمی دارد و در شرایطی که جنبش های اعتراضی و نارضایتی عمومی و شورش های جوانان و اعتراضات کارگری رو به گسترش است، هیچ شکافی در قدرت دستگاه ولایت نمی تواند تحمل شود و نمی شود. بنابراین در عمل کرد شورای نگهبان و سایر ضmann دستگاه ولایت هیچ تناقضی وجود ندارد. آن ها به عنوان ابزارهای سرکوب و تضمین بقای استبداد فقهائی اکنون خود را ناگزیر می بینند که به دنبال تحکیم قدرت این دستگاه باشند و کوچک ترین خللی را در اراده آن، هر قدر هم که ناچیز باشند برنتابند. از جنبه ای دیگر مساله این است که پس از برچیدن روزنامه ها، جمع کردن پرونده قتل های زنجیره ای، قلع و قمع جنبش دانشجویی، دستگیری نیروهای ملی-مذهبی و سرکوب این نیروها توسط تمامیت خواهان که با تمکین و در برخی موارد هم کاری جناح اصلاح طلب حکومتی صورت گرفت، اکنون نوبتی هم که باشد نوبت خود اصلاح طلبان حکومتی است. تمامیت خواهان برای قیچی کردن پروبال این جناح و بیرون ریختن آنان از مجلس بعدی دورخیز کرده اند و ماجرای نمایندگان گلستان زورآزمایی اولیه طرفین در این رابطه است. بدین ترتیب رو کردن مجلس به ارائه طرح های سه فوریتی نه ربطی به قوانین دموکراتیک انتخاباتی دارد که در رژیم ولایت فقیه بی معنا و ناممکن است و نه ربطی به دفاع از حقوق مردم. جناح اصلاح طلب حکومتی از آینده خویش بیم ناک است. آن ها می بینند که شمشیر نظارت استصوابی شورای نگهبان سر خودشان را نظاره گرفته و به دست و پا افتاده اند. علاوه بر این توجه به بستر شروع اختلاف جدید مجلس و شورای نگهبان روشنگر است: ظرف دو هفته اخیر اصلاح طلبان حکومتی همه تقلاهای خود را برای مجاب کردن شورای نگهبان بکار بستند تا این شورا از رد صلاحیت نمایندگان اصلاح طلب استان گلستان برای انتخابات میان دوره ای مجلس خودداری کند. آن ها آشکارا گفتند که از شورش مردم علیه حکومت وحشت دارند و رد صلاحیت ها بهانه برای شورش است. آن ها سرانجام زمانی به طرح های دو و سه فوریتی و استفساریه روی آوردند که شورای نگهبان قاطعانه همه تقلاهای آنان را ناکام گذاشت.

بحث های نمایندگان اصلاح طلب در جریان تنظیم و توضیح طرح سه فوریتی در مجلس به روشنی نشان داد که جناح اصلاح طلب به هیچ وجه خواستار تضعیف نقش نظارتی شورای نگهبان نیست، تنها می خواهد که تیغ این نظارت را از گردن خود دور کند. به عبارت دیگر طرح سه فوریتی مجلس نیز هیچ ربطی به انتخابات واقعی و دموکراتیک ندارد. در حقیقت توجه به اصل دعوای دو طرف روشن می کند که ریشه های وضع حقارت بار و شکست های پی در پی اصلاح طلبان حکومتی در کجاست: آن ها در جریان رد صلاحیت های نامزدهای اصلاح طلب استان گلستان می ترسیدند شورش شود و مردم به خیابان ها بریزند و کنترل اوضاع از دست برود و حکومت به خطر بیافتد. مجلس اگر می خواست در مقابل خودسری ها و زورگویی های شورای نگهبان و قوه قضائیه مقاومت کند باید مردم را بسیج می کرد، زیرا قدرت مقاومت واقعی در مقابل طالبان حاکم بر کشور نه در کریدورهای مجلس و در چانه زنی های پشت پرده نخبگان قدرت طلب، بلکه در خارج از مجلس قرار دارد. در حالی که اصلاح طلبان حکومتی از مردم و بویژه قدرت انفجاری جنبش های اعتراضی جوانان بیش از هر چیزی می ترسند و حاضرند هر خفت و ذلتی را به جان بخرند ولی مردم را آرام و مطیع و سرکوب شده نگهدارند.

به این ترتیب در رابطه با اختلاف اخیر مجلس و شورای نگهبان برای مردم مساله تنها این است که آیا این اختلاف زمینه آن را دارد که وسیله ای برای گسترش نافرمانی مدنی در مقابل حکومت و تضعیف نظام فراهم آورد یا فاقد چنین ظرفیتی است؟ وگرنه در شرایطی که حتی خود مجلسیان نیز می گویند که ما یک مشت نماینده اسمی هستیم که هیچ اقتداری نداریم و باید به حال خود گریه کنیم، وضع مردم کاملاً روشن است: یک نظم دمکراتیک، مردم سالار و مردمی در کشور ما تنها می تواند بر ویرانه نظام اسلامی و با عبور از هر دو جناحش بنا شود. اولین اصلاح بزرگی که جنبش عمومی آزادی خواهانه در برابر خود دارد بزیر کشیدن این حکومت است.